



فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره سی و چهارم - زمستان ۱۳۹۶ - از صفحه ۱۱۳ تا ۱۲۹

رمان «هون دات»، تمثیلی از پایداری مردم ویتنام*

نازنین فرزاد^۱، عبدالحسین فرزاد^۲

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

چکیده

مردم سرزمین ویتنام که سالها تحت استعمار غرب بودند در جنگی خانمان برانداز، علیه نیرومندترین ارتش جهان یعنی آمریکا، آن چنان پایداری و مقاومتی از خود نشان دادند که در تاریخ معاصر جهان، به عنوان نمونه‌ای بی بدیل از مقاومت ملتی کوچک در برابر بزرگترین قدرت نظامی جهان، معرفی شدند. رمان «هون دات»، اثر «آنه دوک»، اثری واقع‌گرایانه است که اقتدار و پایداری مردمان دهکده‌ای کوچک را در برابر ارتش آمریکا و خائنان داخلی، به نمایش می‌گذارد. در این جا، دهکده‌ی «هون دات» نمادی از خود سرزمین ویتنام است. تأکید نویسنده بر شرکت همه، در مبارزه با دشمن است. او بر این باور است که حتی یک روستایی ساده هم در شرایط دفاع از وطن، می‌تواند سرنوشت پیکار را به نفع هم میهنان تغییر دهد. رمان «هون دات»، همچون پایداری مردم ویتنام، با امید آغاز می‌شود و با پیروزی پایان می‌یابد.

کلید واژه‌ها: ویتنام، آنه دوک، هون دات، تمثیل و نماد، ادبیات پایداری

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۳

۱- پست الکترونیکی: nnfarzad@yahoo.com

۲- پست الکترونیک نویسنده مسئول: abdoalhosein.farzad@gmail.com

مقدمه

یکی از انواع ادبی که بهترین بستر برای نمایش زندگی انسان با تمام فراز و فرودهایش می‌باشد، رمان است. اگر میان ادبیات و تاریخ، مقایسه‌ای صورت گیرد، دانسته می‌شود که چشم کلی‌نگر تاریخ، عناصر جزئی را که در برخی موارد بیشترین اثرگذاری را در زندگانی انسان دارند، نمی‌بیند؛ در این‌جا به سخن «میشل زرافا» (Michael Zerafa) می‌رسیم که می‌گوید: «باید کاری کرد تا تاریخ جامعه از طریق ادبیات خوانده شود» (زرافا، ۱۳۶۸: ۸). درحقیقت نویسنده رمان به درون ذهن شخصیت‌هایش می‌رود و احساسات و عواطفی را که هرگز تاریخ از آن‌ها، به ما چیزی نمی‌گوید، می‌کاود و تحلیل می‌کند. یکی از این رمان‌ها که به گونه‌ای ویژه می‌توان آن را رمانی تاریخی نیز دانست، رمان «هون دات» (Hon Dat)، اثر «آنه دوک» (Anh Duc) نویسنده ویتنامی است. این رمان به خوبی در بیان تاریخ واقعی مبارزات مردم ویتنام، برابر با نظر میشل زرافا، بر تاریخ پیشی می‌گیرد و مخاطب را به چند و چون مبارزات و ایثار و نبردهای پی‌گیر مردمی مظلوم و مصمم، آشنا می‌سازد. این رمان درحقیقت تمثیلی گویا از سرزمین ویتنام و مردم آن است که در برابر دشمن، یکپارچه پایداری می‌کند و به پیروزی می‌رسد.

بیان مسأله

جنايات جنگ در ویتنام و پایداری مردم آن سامان در برابر ددمنشی‌های دشمن، همواره به عنوان الگویی ارزنده در برابر چشم ملت‌های جهان قرار دارد. مسأله‌ی بنیادی در این پژوهش این است که رمان «هون دات»، چگونه با استفاده از تمثیل، پایداری مردم ویتنام را در برابر دشمنان داخلی و خارجی به تصویر کشیده است و در این داستان ظرفیت‌هایی که مردم ویتنام از خود نشان داده‌اند در چه حد و اندازه‌ای متبلور است.

پیشینه پژوهش

از جهت پیشینه تحقیق باید ذکر شود که تاکنون رمان هون دات، در ایران ناشناخته بوده و تنها یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد درحوزه ادبیات تطبیقی به این رمان پرداخته است:

- مطالعه تطبیقی ادبیات پایداری ایران و ویتنام در حوزه داستان نویسی (براساس دو داستان ایرانی و دو داستان ویتنامی): «رمان زمین سوخته اثر احمد محمود و رمان پل معلق اثر محمد رضا بایرامی با رمان هون دات اثر آنه دوک و رمان /ندوه جنگ اثر بائو نینه»، (دانشجو: محبوبه‌ی جعفرقلی. استاد راهنما: خانم قسیم‌ی. استاد مشاور: خانم جعفریه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. ۱۳۹۳-۱۳۹۲).
این پژوهش به حوزه‌ی تمثیل نپرداخته است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

با آن‌که نبرد و مقاومت مردم ویتنام در جهان مشهور است، اما از آن‌جا که در مقابل مردم ویتنام، ارتش آمریکا به شکست تن درداد، رسانه‌های غربی این پیروزی را چنان که باید پوشش نداده‌اند، از این رو برای آشنایی مخاطبان ایرانی به ویژه نسل پس از انقلاب که جنگ تحمیلی هشت ساله ایران و عراق را تجربه کرده‌اند، پژوهش‌هایی در باره پایداری ملت‌های جهان، ضروری به نظر می‌رسد. از آن میان آشنایی با رمان «هون دات» که از اعماق فاجعه جنگ در ویتنام سخن می‌گوید، بیش از پیش مغتنم است.
این پژوهش به شیوه تحلیل محتوایی و با توجه به رویکرد واقع‌گرایی و تمثیلی انجام پذیرفته است.

بحث و بررسی

تمثیل و نماد

تمثیل آوردن برای انسان نوعی بیان کردن است. انسان برای درک محیط اطراف خود همواره تمثیلی از دنیای بیرون را در ذهن خود می‌سازد و همین‌طور برای انتقال ادراکات، تمثیلی از افکار خود را برای مخاطب به تصویر می‌کشد. نماد و تمثیل طبق تعاریف مختلف، معانی متفاوت اما مفهومی نزدیک به هم دارند.

در اغلب فرهنگ‌های فارسی تمثیل را در معنای «مثل آوردن» به کار برده‌اند. در فرهنگ اصطلاحات ادبی ذیل واژه‌ی تمثیل چنین آمده‌است: «تمثیل (Allegory) در لغت به معنی مثل

آوردن، تشبیه کردن، مانندکردن، صورت چیزی را مصور کردن...داستان آوردن و در اصطلاح ادبی آن است که عبارت را در نظم و نثر به جمله‌ای که مثل یا شبه مثل و در برگیرنده‌ی مطلبی حکیمانه است بیاریند. این صنعت باعث آرایش و تقویت و قدرت بخشیدن به سخن می‌شود.»(داد، ۱۳۸۲: ۱۶۴). اما در منطق، تمثیل به گونه‌ای دیگر تعریف می‌شود؛ «تمثیل منطقی آن است که مابین دو چیز به حسب ظاهر مشابهتی وجود داشته باشد و بدان سبب، حال و حکم یکی را بر دیگری قیاس کنند. یعنی حکم یکی را بر دیگری مترتب سازند.» (همایی، ۱۳۸۰: ۲۹۹)

«نماد»، در لغت‌نامه‌ی دهخدا به معنای «ظاهرشده» و «نمایان گردیده» آمده است. معادل واژه‌ی آن در عربی «رمز» است. «رمز با تمام وسعت مفهوم و معنی خود می‌تواند معادلی برای واژه‌ی سمبل (symbol) در زبان‌های اروپایی باشد. (پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۵)

«رمانتیک‌ها و اندیشگران سده‌ی پیش دو گونه زمینه‌ی نمادین سخن را از یکدیگر جدا کردند: تمثیل و نماد. رمانتیک‌ها نماد را گونه‌ای کامل می‌دیدند و تمثیل را چیزی نمی‌شناختند جز نمادی که درست به کار نرفته است»(احمدی، ۱۳۸۵: ۲۹۳). «گوته به سال ۱۷۹۷ میان تمثیل و نماد، تفاوت گذاشت و نوشت که تمثیل به نیروی اندیشه و نماد به نیروی احساس رجوع می‌کنند ... تمثیل، پدیدار را به مفهوم و مفهوم را به تصویر تبدیل می‌کند، اما چنان‌که مفهوم در تصویر پنهان شود... نماد پدیدار را به ایده و ایده را به تصویر بدل می‌کند، بدین‌سان که ایده به گونه‌ای فعال در تصویر باقی بماند.»(همان: ۳۶۷)

به بیان ساده‌تر می‌توان گفت که تمثیل داستانی است که بر مبنای اندیشه‌ای خاص به وسیله‌ی نویسنده ساخته می‌شود. مانند داستان نحوی و کشتی‌بان در مثنوی مولانا که در آن شناگری، نمادی از علوم خفیه و عرفان و علم نحو نمادی برای علوم نظری است. درحقیقت تمثیل داستانی است که اندیشه پیش از آن وجود دارد درحالی که در داستان رمزی، اندیشه بعد از آن می‌آید و به تعداد مخاطبان تعبیر و اندیشه، وجود دارد.

شاید بتوان گفت در قرن بیست و یکم با کمی اغماض این دو واژه در معنایی مترادف به کار گرفته شده‌اند.

ادبیات پایداری

ادبیات پایداری یا مقاومت می‌تواند در بردارنده‌ی مفهوم پایداری انسان در برابر هر عنصری باشد. عناصری چون طبیعت، اندیشه‌ها و باورها، دشمنان خارجی یا داخلی کشور و حتی خواسته‌ها و کشش‌های نفسانی.

«واژه‌ی مقاومت و ادب مقاومت، برگرفته از ادبیات و فرهنگ عرب است و عنوان «ادب المقاومة» در دهه‌ی شصت در ایران کاربرد یافت و معادل فارسی آن ادبیات پایداری نیز به کار رفت. این عنوان نخستین بار در جریان مبارزات ضد استعماری مردم مغرب عربی، خصوصاً الجزایر رایج شد» (سنگری، ۱۳۸۹: ۱۸).

ریشه‌های نخستین ادبیات پایداری را می‌توان در حماسه‌ها و جنگ‌های ملی و دینی یافت. «در این صورت سروده‌های نخستین انسان در ستیز با عناصر طبیعت و عوامل مرموز مؤثر در سرنوشت، نوشته‌ها و سروده‌هایی که ستیز انسان با خویش ... را باز می‌گویند و همه‌ی آثاری که به جنگ‌های تاریخ ملت‌ها برمی‌گردند در قلمرو ادبیات پایداری قرار می‌گیرند» (کمسفیدی، ۱۳۸۸: ۳۷۰).

ژرف‌ساخت ادبیات پایداری؛ اعتراض، مقاومت و مبارزه علیه ظلم و زور است. این نوع از ادبیات احساسات، دردها و رنج‌های توده‌ی مردم را در هنگام جنگ و دفاع به تصویر می‌کشد.

مروری بر تاریخ کشور ویتنام

کشور ویتنام، در جنوب شرقی آسیا قرار دارد. این کشور اکنون به شکل جمهوری سوسیالیستی اداره می‌شود، هرچند بیش از هزار سال با استعمارگران چینی، فرانسوی و آمریکایی مبارزه کرد.

در قرن‌های شانزدهم و هفدهم، اولین تجزیه‌ی ویتنام به دو بخش شمالی و جنوبی صورت گرفت. یکی از افراد خاندان سلطنتی جنوب که مخالف اتحاد ویتنام شمالی و جنوبی بود برای کسب قدرت به فرانسه روی آورد. کمک گرفتن از فرانسویان باعث شد نیروهای فرانسوی و متحدان ویتنامیشان، شهر سایگون را فتح کنند و جنوب ویتنام را تحت سلطه‌ی خود درآورند. بدین ترتیب ویتنام تا زمان جنگ جهانی دوم مستعمره‌ی فرانسه بود. (جاسپی، ۱۳۷۹: به اختصار

۱-۶).

در همان ایام سازمانی به نام «اتحادیه انقلابی جوانان ویتنام» به رهبری «هوشی مین»، هسته‌ای برای تشکیل حزب کمونیست ویتنام گشت. «هوشی مین»، یک سال بعد از اتمام جنگ جهانی اول، در کنفرانس صلح ورسای، خواستار آن شد که حکومت فرانسه حقوق مردم ویتنام را در آزادی، مساوات و حق تعیین سرنوشت به رسمیت بشناسد.

در سال ۱۹۴۵ زمانی که ژاپن در حال تسلیم شدن به متفقین بود، هوشی مین دولت موقت جمهوری دموکراتیک ویتنام را اعلام کرد. این انقلاب قدرت چندین هزار ساله فئودالسیم را در ویتنام در هم کوبید. او رئیس جمهور و رئیس وزارت امور خارجه شد. در روز تسلیم شدن ژاپن، «هوشی مین»، در میدان مرکزی شهر «هانوی»، بیانیه استقلال ویتنام را قرائت کرد. (مسائلی، ۱۳۰: ۱۳۸۵-۱۲۷ به اختصار)

«در دهه ۱۹۵۰ سیاست آمریکا در جنوب شرقی آسیا روی این باور جزمی بنا شده بود که ویتنام غیر کمونیست برای امنیت آمریکا دارای اهمیت اساسی است. اعتقاد بر این بود که اگر قرار باشد در کشورهای دیگر این منطقه یا حتی کشورهایی به دوری هند و استرالیا براندازی نشود، ویتنام جنوبی را باید در اردوگاه غرب نگه داشت» (رابرتس، ۱۳۹۳: ۶۶۳).

قرار داد ژنو، ویتنام را به دو قسمت تقسیم کرد: شمال که پایتخت آن شهر «هانوی» بود، تحت کنترل «ویت مین»، (اتحاد استقلال خواهانه‌ی ملی ویتنام)، قرار گرفت و جنوب که پایتختش «سایگون» بود، تحت کنترل دولت «بائودائی» در آمد که از سوی فرانسه پشتیبانی می‌شد. در ویتنام جنوبی اقلیتی که طرفدار غرب بودند پشتیبانی آمریکا را خواستار شدند و آمریکا، خواهان تبدیل ویتنام جنوبی به مستعمره‌اش بود. «آمریکا در آن سال‌ها از ترس سقوط کل منطقه به دامان چین و شوروی تصمیم گرفت دولت ویتنام جنوبی را حمایت کند.» (غفوری، ۱۳۸۶: ۶۱۳).

تجزیه ویتنام و خروج فرانسه فرصتی مناسب برای آمریکا به شمار می‌رفت. کمونیسم، در این قسمت از آسیا از هم گسیخته شده بود و آمریکا در این میان به دولت سایگون کمک می‌رساند.

در سال ۱۹۵۵ «نگو دین دیم» (Negodinh diem) دست نشانده‌ی آمریکا، فرماندومی

تشکیل داد و با آرای ساختگی رئیس جمهور شد و برای جلوگیری از پیروزی «هوشی مین»، رهبر ویتنام شمالی از انجام انتخابات پیش بینی شده در موافقت نامه ژنو خودداری کرد. او در ویتنام جنوبی حالت جنگی اعلام کرد و به این بهانه تا سال ۱۹۶۰ آمریکا پایگاه‌های نظامی بسیاری را در این کشور احداث نمود. رژیم نگو دین دیم هم‌هی مخالفان را سرکوب می‌کرد. دادگاه‌ها تنها حکم اعدام و حبس ابد صادر می‌کردند و به حقوق کسی رسیدگی نمی‌شد.

زمانی که جنگ بین ویتنام شمالی و جنوبی به اوج خود رسیده بود، آمریکا به بهانه حمله ویتنامی‌ها در خلیج «تونکن»، وارد خاک ویتنام شد تا به جنوبی‌ها کمک کند. در اوت ۱۹۶۴ بمب افکن‌های خود را به ویتنام شمالی فرستادند تا هر دو بخش ویتنام را وادار به پایان مبارزه علیه متجاوزین کنند. این عمل تجاوزکارانه باعث شد صد هزار ارتشی، ترک خدمت کنند. بعد از سه سال بمباران، بخش عظیمی از ویتنام در تصرف آمریکا بود اما ویت‌کنگ‌ها توانستند با مبارزات خود صد شهر و پایگاه نظامی را به دست آورند تا سرانجام در سال ۱۹۶۸ «نیکسون»، رئیس جمهور آمریکا رسماً عقب نشینی کرد. اما او می‌خواست به کمک دولت‌های دست‌نشانده خود در جنوب و دیگر نقاط هندوچین جنگ ویتنام را به جنگ داخلی منطقه‌ای تبدیل کند (جاسپی، ۱۳۷۹: ۲۹-۲۵).

در سال ۱۹۷۵ سرانجام با حملات چریک‌های ویت‌کنگ به جنوب، شهرهای مهم بازپس گرفته شدند. سایگون سقوط کرد و رژیم دست‌نشانده آمریکا سرنگون شد و «جرالد فورد» رئیس جمهور وقت آمریکا، سربازان خود را از ویتنام فراخواند. «مردم ویتنام بعد از سه دوره مبارزه علیه ژاپن، فرانسه و آمریکا بالاخره آزاد شدند. بعد از اتحاد دو ویتنام، شهر «سایگون»، شهر «هوشی مین» نامیده شد» (همان: ۴۲).

شاید بتوان گفت شرم‌آورترین اعمال ضد بشری در قرن بیستم در جنگ ویتنام، رخ داد که به وسیله ارتش آمریکا نسبت به ملت ویتنام، اعمال شد. این اعمال ددمنشانه، چهره کریمه امپریالیسم را به مردم جهان به خوبی نشان داد. هر چند بعد از جنگ در سال ۱۹۷۷ ویتنام در پی عادی کردن روابط خود با آمریکا برآمد و این امر باعث شد در همان سال به عضویت سازمان ملل در آید.

آنه دوک، نویسنده واقع‌گرا

«آنه دوک»، در سال ۱۹۳۵، در استان جنوبی، آن گیانگ (An Giang) ویتنام متولد شد. در جوانی در جنگ آمریکا شرکت داشت و در سال ۱۹۵۳ در دفتر روزنامه مشغول به کار بود. «آنه دوک» در حوالی همان سال اولین جایزه ملی خود «کو لونگ» (Cuu long) را در هنر و ادبیات دریافت کرد و سه سال بعد نیز اولین جایزه داستان کوتاه را در مجله ادبیات و هنر از آن خود کرد. در سال ۱۹۶۵، رمان «هون دات» (Hon Dat) او که درباره جنگ نوشته شده بود، برنده جایزه ادبی «نگوین دینه چییو» (Nguyen Dinh Chieu) شد. بعد از آن این رمان، در منابع درسی دانش آموزان رشته ادبیات دبیرستان‌ها گنجانیده شد. «هونگ سن»، (Hong Sen) کارگردان ویتنامی نیز فیلمی را با همین عنوان و اقتباس ازین اثر کارگردانی کرد. در سال ۲۰۰۰، به پاس سهم عمده «آنه دوک» در نوشتن ادبیات ویتنام در خلال جنگ، برترین جایزه ادبی کشور، جایزه «هوشی مین» به او تعلق گرفت. او سرانجام بعد از مدت‌ها مبارزه با بیماری، در اگوست سال ۲۰۱۴ در سن ۷۹ سالگی درگذشت. (Vietnam news, August 23, 2014)

«آنه دوک» درباره رمانش، «هون دات» می‌گوید که این رمان برگرفته از داستانی واقعی است که با منویات ساختگی اندیشه‌های من در هم آمیخته. (Anhducclub, 2015)

رمان «هون دات»

«هون دات» نام دهکده‌ای در ویتنام جنوبی است. اغلب ساکنان این دهکده روستاییان مبارزی هستند که به مبارزه علیه حکومت دست‌نشانده‌ی آمریکا در ویتنام جنوبی برخاسته‌اند. در شبی که جنبش دهقانان مبارز، در خانه «ننه ماسائو» (Ma-Sau) و دخترانش «سو» (su) و «کوین» (Quen) برگزار شده بود، چریک‌های روستا خبر دادند که فردا گروهان دشمن تحت فرماندهی رئیس پاسگاه «گسام» (Xame)، با نزدیک به هزار نفر حمله خواهد کرد. افراد حزب درباره چگونگی مبارزه فردا به گفتگو پرداختند.

گسام، از ویتنامی‌های خودفروخته به آمریکا بود که برای سرکوب کردن چریک‌های ویت-کنگ، در نظر داشت قرارگاهی در دهکده برپا کند. اما آن شب جوانان هون دات خندق‌هایی کردند و در سنگرهای خود پناه گرفتند. بعد از روشن شدن هوا، دشمن به آنان حمله کرد. ابتدا

مهاجمان داخل تله‌ها می‌افتادند اما کم کم، جاهای خالی از خندق را پیدا کردند و خمپاره-هایشان را به طرف باغ‌های سیب پرتاب کردند. چریک‌های دهکده عقب نشینی کردند و به غار هون دات پناه بردند.

از این حادثه به بعد و تا پایان داستان، نویسنده به شرح مبارزه و مقاومت نوزده چریک درون غار می‌پردازد. این مبارزان با ایثار و پایداری و از خودگذشتگی‌هایشان، به کمک دیگر مردم دهکده در طی ده روز، هزاران سرباز خائن ویتنامی را وادار به عقب نشینی می‌کنند. این اثر، تنها گوشه‌ای از زندگی و مبارزات انقلابیون ویتنام جنوبی را علیه آمریکا و خائنان ویتنامی در سال ۱۹۶۱ به تصویر می‌کشد.

طرح و پیرنگ

در بسیاری موارد رمان‌های واقع‌گرا و متعهد، آغازبندی (Opening) و پایان بندی (Ending) امیدبخش و مثبتی دارند. اگر بپذیریم که کار اصلی هنر این است که به انسان شجاعت زیستن می‌دهد، باید گفت که رمان «هون دات»، از جوهر هنری و تعهدی بسیار ژرف برخوردار است. رمان «هون دات» با جرعه امید آغاز می‌شود، با گفتگوی دو خواهر جوان «کویین» و «سو» و با احساساتی پر شور و زنانه، که در خلال آن کم کم مخاطب در می‌یابد که همسر «سو» از هفت سال پیش به شمالی‌ها پیوسته است و اینک بعد از مدت‌ها نامه‌ای از شمال رسیده است و دو خواهر همانند همه خواهران جوان به درد و دل کردن می‌پردازند. شروعی بسیار ساده، اما با لحنی صمیمی میان این دو خواهر:

«کویین به خواهر خود، سو گفت: اعتراف کن حق با من بود که می‌گفتم او تو را فراموش نکرده، می‌بینی نامه‌اش چقدر هم مؤثر و دلنشین است» (دوک، ۱۳۶۱: ۹).

بعد از آن شخصیت‌ها یکی یکی وارد داستان می‌شوند و هرکدام در حالی که نویسنده به مرور گذشته آنان می‌پردازد، معرفی می‌شوند و برای مخاطب معنا پیدا می‌کنند. در میانه داستان و با شروع حمله سربازان دولتی به دهکده، داستان لحن جدی‌تری می‌یابد و فضای اضطراب آوری را برای خواننده ایجاد می‌کند. اما هر کجا که نویسنده به توصیف فضای «هون دات» یا قهرمانانش می‌پردازد، لحنی شاعرانه به خود می‌گیرد و برای مخاطب، فضایی نوستالژیک توأم

با حسرت ایجاد می‌کند:

«کوه هون دات از دو برادر خود «هون مه» و «هون سوک» بلندتر است و دهکده در پای آن آرمیده است... گیاهانی که تپه‌ها و دهکده‌های نزدیک را فروپوشانیده بودند، سرشار از نیروی زندگی بودند ... حتی برخی از خانه‌ها از شیب ملایم تپه‌ها بالا خزیده بودند. از دور که نگاهشان می‌کردی به کبوترخانه‌هایی می‌مانستند که از باران و آفتاب رنگشان پریده و از طراوت افتاده بودند ...» (دوک، ۲۵: ۱۳۶۱).

همچنین زمانی که سربازان، دستان «سو»، این بانوی مبارز ویتنامی را با طناب بسته‌اند و از درخت نخل آویزان کرده‌اند، توصیفات از همین جنس است:

«سو بالا و بالاتر می‌رفت. بازوان برهنه بسیار زیبا و بسیار سفیدش را که به پشتش پیچیده بودند، طناب می‌کشید. بازوان بسیار لطیف و هنرمند که هرگز از کار کردن خسته نمی‌شدند، بازوانی مهربان که بارها با مهر و محبت بسیار به دور گردن شوهرش، دخترش، خواهرش، نزدیکانش و رفقاییش حلقه شده بودند، حالا بی‌رحمانه رنج و عذاب می‌دیدند» (همان: ۱۹۶).

در رمان «هون دات»، شخصیت‌ها در مواردی مشابه، در حالت تعلیق قرار دارند و در لحظه‌ی تصمیم، درون آنان دچار استحاله و دگرگونی می‌شود. نویسنده کوشیده است اثرگذاری حتی یک نفر، یک کشاورز ساده را در درگیری‌های گسترده، به خوبی نشان دهد که می‌تواند سرنوشت جنگ را تغییر دهد. او زیرکانه با ایجاد رئالیسم انتقادی، به مخاطب درس پایداری می‌دهد. در رئالیسم انتقادی نویسنده می‌کوشد در عین بیان واقعیت، الگوهای برای آینده ارائه دهد.

شاید بتوان گفت نقطه اوج داستان بعد از حمله سربازان به «هون دات» و پناه بردن چریک‌ها به درون غار روی تپه‌ی هون دات، دستگیر شدن «سو» مادر طفلی به نام «تهوی» است. یکی از پررنگ‌ترین کشمکش‌های ذهنی «سو» زمانی اتفاق می‌افتد که از او می‌خواهند چریک‌های درون غار را وادار به تسلیم کند. این کشمکش‌ها مخاطب را در تعلیقی فرو می‌برد که او با وجود داشتن دختر کوچک، چه خواهد کرد و با تصمیم او بر سر دیگر مبارزان درون غار چه می‌آید؟

بعد از کشته شدن «سو» و برخی دیگر از مبارزان، سرانجام چریک‌های غار پیروز می‌شوند

و آمریکاییان از دهکده می‌روند. طرح داستان بسته است. داستان با فضایی توأمان شادی و غم و تلخی و امیدواری و با نمادی بسیار ساده، همراه با طلوع خورشید و وزیدن نسیم باد، بیرون آمدن چریک‌ها را از غار به تصویر کشیده است:

«آنان که در غار بودند، پس از آن که «اوت» خبرشان کرد به مدخل غار آمدند، بار دیگر صدای خنده و فریاد و هق هق گریه بلند شد. روی چمن‌زار که گلوله‌ها شخمش زده بودند، همدیگر را در آغوش کشیدند ... هیچ بالاپوشی سالم نبود، آستین‌ها یا شانه و یا پشتش پاره شده بود. مثل این بود که خالی شده بودند. آنان گرسنه بودند و تشنه بودند ... آنان در نخستین پرتو بامدادی لنگ لنگان به طرف دهکده راه افتادند. خورشید بر قطره‌های شبنم که روی گیاهان نشسته بود می‌درخشید و به لابه لای شاخ و برگ‌ها نفوذ می‌کرد...» (همان: ۳۴۰-۳۳۹).

زاویه دید سوم شخص نامحدود یا همان دانای کل در این اثر باعث شده است، نویسنده به راحتی از همه جا و همه کس سخن بگوید.

زمان و مکان

حوادث این داستان در دهکده هون دات واقع در ویتنام جنوبی و در سال ۱۹۶۱ اتفاق می‌افتد. نویسنده در جای جای داستان به ذکر دقیق تاریخ حوادث می‌پردازد و این امر داستان را برای خواننده واقعی‌تر و ملموس‌تر می‌کند:

«صدای رادیو را بلندتر کرد. صدای رئیس جمهور هوشی مین شنیده شد... با فرا رسیدن نخستین روز سال ۱۹۶۱، در شمال کشور هفت سال است که بازسازی اقتصادی و ساختمان سوسیالیسم آغاز شده است و در جنوب هفت سال است که پیکاری بی‌امان و قهرمانانه با دشمن ادامه دارد. استعمارگران آمریکایی می‌کوشند کشور ما را به صورت مستعمره‌ای از نوع تازه در آورند اما هم‌وطنان جنوبی ما بردگی را نمی‌پذیرند...» (همان: ۱۶۴)

شخصیت پردازی

عموماً در داستان‌های تمثیلی، شخصیت‌ها درحقیقت شخصیت‌هایی تمثیلی هستند که درجای شخصیت‌های واقعی ایفای نقش می‌کنند؛ بنابراین هرچند چنین شخصیت‌هایی قابل

لمس هستند با این حال نویسنده از آن‌ها عبور می‌کند و مخاطب را به صورت اشاری به پشت این شخصیت‌های نمادین و تمثیلی سوق می‌دهد.

با نگاهی به شخصیت‌پردازی در این رمان می‌توان به نقش پررنگ جوانان و زنان در خلال جنگ پی برد. عاشق‌ترین زنان آن‌گاه که پای دفاع از سرزمین و حیثیت و مزارعشان به میان می‌آید، می‌توانند به شجاع‌ترین مبارزان تبدیل شوند. کودکان می‌توانند یک شبه بزرگ شوند و مردان آن سرزمین یکباره به بزرگ‌ترین قهرمانان تاریخ می‌پیوندند.

«گسام» رئیس پاسگاه «هون دات» تمثیلی از حکومت خائن ویتنام جنوبی است که با زیر دستانش از جمله یک زوج خائن و جاسوس بیگانه، شخصیت‌های منفوری را مجسم می‌کند که برای خوش خدمتی به آمریکا، بدون هیچ رحمی در صدد از بین بردن هون دات برآمده‌اند.

به جز گسام و یارانش، تمامی شخصیت‌های این رمان که در حقیقت نماد توده‌ی ملت ویتنام است، از کوچک و بزرگ، زن و مرد شخصیت‌هایی جامع‌اند، مبارزانی که برای رسیدن به آزادی و بیرون فرستادن استعمارگر تا پای جان می‌ایستند و مقاومت می‌کنند.

اما جامع‌ترین این شخصیت‌ها، زنان این رمان بودند. دو خواهر جوان و عاشق «کوین» و «سو» که داستان با گفتگوی آنان آغاز می‌شود و با مرگ بی‌رحمانه‌ی یکی از آنان و تنها ماندن دختر کوچکش «تهوی» در پایان داستان به سرانجام می‌رسد، مادر این دو دختر «بانو ماسائو» در حقیقت نماد مام وطن است که فرزندان شجاع و فداکار تربیت کرده است. دشمنان همسر بانو ماسائو را به جرم کمونیست بودن تیرباران کرده بودند و یکی از پسرانش را نیز در جنگ از دست داده بود. اما زمانی که دخترش «سو» را به درخت بسته بودند و او را تحت فشار گذاشتند تا دخترش را سر عقل بیاورد، با وجود همه تنش‌های روحی که یک مادر می‌توانست با این همه مصیبت داشته باشد، «با وقار و متانت تمام گفت: دختر من بی‌چه نیست که نداند چه باید بکند... او در عقیده و اعمال خود آزاد است و من او را به هیچ کاری وادار نمی‌کنم» (همان: ۲۰۰) و با وجود این که می‌دانست آنان دخترش را خواهند کشت اما در برابر ضعف و کشمکش‌های ذهنی مادرانه‌اش می‌ایستد. دخترش «سو» نیز که به مرگ خود واقف است، دختر کوچکش را به مادر می‌سپارد. دختر کوچک یا همان «تهوی»، نماد نسل آینده کشور است که باید زنده بماند و راه گذشتگان را در پایداری برای حفظ وطن در پیش گیرد.

مادر «گسام» خونخوار «بانو کاکسوا»، زنی رنج دیده است که به جبر مالک بزرگ و ستمگر «موئو»، نامزدش را از دست می‌دهد و مجبور به هم‌خوابگی با موئو می‌شود. او بعد از به دنیا آوردن گسام از نزد مالک رانده می‌شود. اما این زن به ظاهر خاموش و آرام که همه در هون دات معتقد بودند به خاطر فشارهای زندگی دچار اختلال حواس شده است، زمانی که می‌فهمد پسرش گسام، «سو» دختر زیبا و مبارز دهکده را با ضربات چاقویش کشته است، برای مجازات او درنگ نمی‌کند. بر بالای سر فرزند مست و خفته‌اش، چاقو به دست می‌ایستد و زمانی که خود را از انجام این کار عاجز می‌بیند از خانه بیرون می‌رود و بعد دو چریک به خانه‌اش می‌آیند و کار پسرش گسام را تمام می‌کنند. درحقیقت مادر گسام نماد مادران ویتنام است که حب وطن را بر عشق به فرزند ترجیح می‌دهند. این شخصیت ما را به یاد رمان «مادر» اثر ماکسیم گورکی می‌اندازد.

بانو «مائو»، در هون دات رستورانی محقر دارد. شبی که عده‌ای از سربازان دولتی برای صرف غذا و نوشیدنی به آنجا می‌روند. سرجوخه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی هون دات سؤالاتی از او می‌پرسد. اما این زن با سؤالات بسیار ساده و گفتگویی صمیمی او را به شام میهمان می‌کند و چنان ذهن سرجوخه را به چالش می‌کشد که سرانجام سرجوخه برای فرار از ارتش از همین زن یاری می‌طلبد؛

«- چرا در دهکده خودتان نماندید که روی زمینتان کار بکنید. زراعت که زحمتش خیلی کمتر از زندگی سخت سربازی است...»

- احمق بودم. واقعاً که احمق بودم» (همان: ۱۲۱).

«سرجوخه کو در راه اردوگاه با اندیشیدن به آن زن چاق که قلبی مانند طلا داشت و ولایت او را به خوبی می‌شناخت، شادی خاصی در دل خود احساس می‌کرد. ای خدا، چرا آن زن فصل ماهی و شالیزارهای برنج را به یاد او انداخت» (همان: ۱۲۳).

«در سال ۱۹۶۱ تعداد ۱۰۰۰۰ نفر از سربازان دولتی با سلاح‌های خویش به چریک‌ها پیوستند» (راسل، ۱۳۴۷: ۵۴). کشتن روستاییان بی‌گناهی که بزرگ‌ترین جرمشان حفظ سرزمین، باغ‌های سیب و کشتزارهای سرسبزشان بود، آن قدر دل‌خراش بود که بسیاری از سربازان از ارتش فرار کردند. سرجوخه «کو» که از شخصیت‌های فرعی رمان هون دات به نظر می‌رسد،

نماد این سربازان است که با عملش به شخصیتی جامع بدل می‌شود. او دائماً گرفتار کشمکش ذهنی و عاطفی است:

«این چریک‌ها چندان شبیه او بودند که از همدیگر تمیز و تشخیص داده نمی‌شدند، زیرا بیشتر آنان روستایی بودند. آنان نیز مانند او می‌توانستند روی زمین کار کنند و ماهی بگیرند» (دوک، ۱۳۶۱: ۱۲۵). سرانجام سرجوخه تصمیم گرفت به غار هون دات حمله نکند و شب قبل از حمله به همراه چند تن دیگر از سربازان دولتی از آنجا گریخت تا به خانه روستایی خود، نزد همسرش بازگردد. سرجوخه «کو» نماد همه سربازان ویتنامی است که حاضر نشدند روی برادران ویتنامی خود اسلحه بکشند.

نتیجه

رمان «هون دات»، اثری رئالیستی، تمثیلی و بسیار ساده است که خواندنش برای خواننده‌ی عصر حاضر هیچ پیچیدگی‌ای ندارد. اثری است سرشار از زندگی و مبارزه. این رمان تنها ده روز از زندگی مردم دهکده «هون دات» را در ویتنام به تصویر کشیده است، ده روز سخت و جان‌فرسا. اما این داستان تنها نمادی از مبارزات شانزده ساله ویتنامیان علیه آمریکا است. این رمان ضدجنگ، چهره واقعی دولت آمریکا را به نمایش می‌گذارد. در جایی از رمان هلکوپترهای آمریکایی، برای کمک به زخمی‌ها بر «هون دات» فرود می‌آیند و بعد از جمع کردن سربازان زخمی دولتی، آنان را در دریا می‌ریزند. آمریکا ممکن است به ظاهر به قصد کمک به ویتنام جنوبی خود را وارد گود کرده باشد، اما برای او ویتنامی، ویتنامی است. به همین دلیل جبهه آزادی بخش ملی که در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۰ در جنوب تشکیل شد، هدف خود را تأمین بی‌طرفی ویتنام جنوبی از طریق درهم شکستن تسلط ایالات متحده بر آن و به وسیله متشکل ساختن همه عناصر انقلابی قرار داد. قشربهای مختلف مردم و همه آن کسانی که در مقابل نظام «نگو دین دیم» تحت تعقیب و شکنجه واقع می‌شدند، برای دفاع مسلحانه از هستی خویش در این جبهه متحد شدند.

هنگامی که سربازان دولتی جنازه‌های زخمیان خود را از دریا گرفتند، دریافتند که برای آمریکا هیچ یک از طرفین دعوا ارزشی ندارد و آن‌ها نسل‌کشی ویتنام را مد نظر دارند به همین

جهت سربازان دولتی نیز سر به شورش برداشتند. مردمان ویتنام در این رمان مردمانی ساده و کشاورزانی صلح طلب هستند. زندگی و عشق در ذهن و جان همه هون داتی‌ها در جریان است. اما زمانی که باغ‌هایشان به آتش کشیده می‌شوند، زمان مبارزه فرا می‌رسد. حتی زنان و کودکان نیز به میدان می‌آیند، گوشه‌ای از مبارزه را در دست می‌گیرند و با امید برای روزهایی بهتر جان فدا می‌کنند.

با وجود آن که رمان هون دات، رمانی تاریخی به حساب می‌آید اما در این پژوهش چنان که ملاحظه شد به عنوان برهه‌ای تاریخی از کشور مظلوم ویتنام و تراژدی‌هایی که در آن جریان داشت، ثابت کرد که تمثیل، قویتر از تاریخ، می‌تواند واقعیات حوادث را بیان کند و مخاطب را به ژرفاهای ناگفته‌ی تاریخ، رهنمون سازد.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، بابک، (۱۳۸۵)، ساختار و تأویل متن، ج: ۱، تهران: نشر مرکز، چ دوازدهم.
۲. پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۷)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ سوم.
۳. جاسپی، عبدالله، (۱۳۷۹)، ویتنام، دوران مقاومت، پیروزی، سازندگی، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. داد، سیما، (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
۵. دوک، آنه، (۱۳۶۱)، هون دات، ترجمه‌ی اردشیر نیکپور، تهران: امیرکبیر.
۶. رابرتس، جان موریس، (۱۳۹۳)، قرن بیستم، تاریخ جهان از ۱۹۰۱ تا ۲۰۰۰، ترجمه‌ی ابراهیم علی کنی، تهران: انتشارات بهجت.
۷. راسل، برتراند، (۱۳۴۷)، جنایات جنگ در ویتنام، ترجمه‌ی ایرج مهدویان، تهران: انتشارات فرهنگ.
۸. زرافا، میشل، (۱۳۶۸)، ادبیات داستانی، ترجمه‌ی نسرين پروینی، تهران: انتشارات فروغی.
۹. سنگری، محمد رضا، (۱۳۸۹)، ادبیات دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۰. غفوری، علی، (۱۳۸۶)، صد جنگ بزرگ تاریخ، تهران: انتشارات هیرمند.
۱۱. کمسفیدی، اصغر، (۱۳۸۸)، «ادبیات پایداری»، نامه‌ی پایدار، مجموعه مقالات دومین کنگره‌ی ادبیات پایداری، کرمان: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمان.
۱۲. مسائلی، محمود، (۱۳۸۵)، ویتنام. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چ سوم.
۱۳. همایی، جلال‌الدین، (۱۳۸۰)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: نشر هما، چ نوزدهم.

14. -<http://anhducclub.tk/?cat=2> (by admin on August 27, 2015)
15. -<http://vietnamnews.vn/life-style/259227/vietnamese-writer-leaves-lasting-legacy.html>(August23, 2014)



**Journal of Research Allegory in
Persian Language and Literature**
Islamic Azad University- Bushehr Branch
No. 34/ Winter 2017

“HON DAT”, an allegory of the resistance of the Vietnamese*

Nazanin Farzad¹, Abdolhosein Farzad²

1- Ph.D. student of Persian language and literature, Islamic Azad University, South Tehran Branch- Iran

2- Associate professor of Persian language and literature, Institute of Humanities and Social Studies-Tehran-Iran

Abstract

People of Vietnam country that was colonized by west for years, in a ruinous battle against the most powerful military of the world that is to say united states of America showed such resistance that in contemporary world history were introduced as a unique example of a small nation resistance. “Hon Dat” novel by “Anh Duc” is a realistic work that shows power and resistance of small village against USA army and also internal traitors. In this case, “Hon Dat” is a symbol of the land of Vietnam. In this novel, the author’s emphasis is on every body’s participation against enemy. He believes that even a simple rural can change the end of the war into compatriots favor.”As same as the resistance of the people of Vietnam, Hon dat” starts with hope and ends with victory.

Keywords: Vietnam, Anh duc, HonDat, Allegory and Symbol, Resistance literature.

* Receive: 2017/7/15 Accept: 2017/11/24

1. E-Mail: nnfarzad@Yahoo.com

2. E-Mail: abdolhosein.farzad@gmail.com